irannewspaper.ir

دوشنبه ۲۳ مهر ۱۴۰۳ • سال سی‌ام • شماره ۸۵۷۸
• اذان ظهر ۱۱/۵۰ • اذان مغرب ۱۷/۴۸ • نیمه شب شرعی ۲۳/۰۹ • اذان صبح فردا ۰۴/۴۸ • طلوع آفتاب فردا ۰۶/۱۱

ایران

• صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی

• مدیر عامل مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران:
احسان صالحی

• تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
• پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی • نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
• صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ • امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
• چاپ: چاپخانه‌های همشهری
• سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
• پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷(۰۲۱)
• انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲

«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید

بهترین چیز برای آدم همین است؛
اعتقاد داشتن به حرفی که می‌زند
و دوست داشتن کاری که انجام می‌دهد.

گفت‌وگو در کاندرال
ماریو بارگاس یوسا

سخن روز

امام حسین(ع):
هر کسی به غیر از خدا دل ببندد، زیان کرده است.

بحارالانوار، ج۹۵، ص۲۱۶

نگاره

خورشید دمیده و سحر نزدیک است
در سنگر انتفاضه پا برجا باش
یک سنگ دگر بزن، ظفر نزدیک است

رضا اسماعیلی

فضای مجازی

این سوگ پایانی ندارد

۲۲ مهرماه، اولین سالمرگ داریوش مهرجویی خالق «پستچی»، «اجاره نشین‌ها»، «هامون»، «سنتوری»، «مهمان مامان» و... است. سال گذشته در شامگاه ۲۲ مهرماه این فیلمساز موج نو سینمای ایران به همراه همسرش وحیده محمدی‌فر (فیلمنامه‌نویس) در خانه شخصی‌شان در محمدشهر کرج به قتل رسیدند. فعالان حوزه سینما روز گذشته در فضای مجازی با دلنوشته‌هایی یاد او را گرامی داشتند. مؤلفه تکرارشونده در نوشته‌های اهالی سینما ضرورت پیگیری عاجل جهت رسیدن به فرجامی روشن و مشخص برای این پرونده جنایی است که همچنان با ابهاماتی همراه است. رضا درمیشیان تهیه‌کننده «لامینور» آخرین ساخته مهرجویی در صفحه اینستاگرام خود نوشته است: «فریم به فریم این ۳۶۵ روز منتظر بودم این کابوس تمام شود. ذهنم در لحظه کارد آجین شدنتان قفل شده است. جلادان قاتل چگونه توانستند این‌گونه فرهنگ و هنر این سرزمین را سلاخی کنند و سر ببرند؟» اصغر نعیمی منتقد و کارگردان سینما در یادداشتی با عنوان «این پرونده باز است» در روزنامه اینترنتی سینما درباره نیاز افکارعمومی به رسیدن به پاسخی روشن نوشته و در بخش انتهایی آن تأکید کرده است: «تا بازگو شدن همه حقایق و تابیدن نور بر تاریکخانه این جنایت، رخت عزا بر تن ما خواهد ماند و این سوگ را پایانی نخواهد بود.» رضا صائمی دیگر منتقد سینما نیز به تصویر زن در سینمای مهرجویی پرداخته و در بخش پایانی یادداشت خود آورده است: «هیچ‌کدام از کاراکترهای زن سینمای ایران به اندازه زن‌های سینمای مهرجویی در حافظه سینمایی ما ماندگار نشده. یادمان باشد در «اجاره‌نشین‌ها» آن که همیشه بین همه صلح و آشتی برقرار می‌کرد زن بود، یک مادر(حمیده خیرآبادی). در نهایت مهرجویی به همراه زنش به قتل رسید تا آنها مرگی یگانه را در شنیع‌ترین شکل تراژدی تجربه کنند و تنها هنرمندیست که با همسرش تشییع و به خاک سپرده شد تا آن طعنه مهشید به هامون درباره وصل و یگانگی و استحاله در دیگری، معنا بیابد... گرچه تلخ... سنگ قبر آنها نشان این یگانگیست.»

رویکرد فرهیخته‌محور شبکه ۴ سیما

مازیار معاونی، منتقد سینما با اشاره به افت کیفی برنامه‌های تلویزیون در عین حال از رویکرد ادبی یکی از برنامه‌های شبکه چهار سیما تمجید کرده است. در یادداشت کوتاه اینستاگرامی او آمده است: «باوجود این میزان افت کیفی برنامه‌سازی در تلویزیون، شبکه ۴ با همان رویکرد فرهیخته‌محور خود همچنان تا حدودی پابرجا و قابل احترام است. امشب خسته و کلافه از مطب به خانه رسیده بودم که برنامه ادبی «سرزمین شعر» منِ عاشق ادبیات را حسابی سرذوق آورد. چه خوب که در میان نسل جدیدمان هنوز چنین شاعران باقریحه‌ای داریم.»

کتاب فارسی بر بال کلاغ‌های سفید کتابخانه بین‌المللی کودکان مونیخ

هر سال در ایام نمایشگاه بین‌المللی کتاب فرانکفورت که بزرگ‌ترین رویداد فرهنگی جهان است و ناشران و نهادهای فرهنگی مختلفی از سراسر دنیا گرد هم می‌آیند، از فهرست کلاغ سفید نیز رونمایی می‌شود. فهرست کلاغ سفید چشم‌اندازی ارزشمند از برخی کتاب‌های کودک و نوجوان تازه‌منتشر شده دنیاست. در این فهرست که شامل ۲۱۶ عنوان کتاب کودک و نوجوان به ۴۴ زبان و از ۶۲ کشور جهان است، پنج عنوان کتاب فارسی بر بال کلاغ‌های سفید کتابخانه بین‌المللی کودکان مونیخ به پرواز درآمده‌اند. فرهاد حسن‌زاده با انتشار پستی در صفحه اینستاگرام خود به معرفی این آثار پرداخته است. بر اساس اطلاعاتی که این نویسنده نامدار حوزه کودک و نوجوان ارائه کرده: «پسر اقیانوس»، مهدی رجبی، تصویرگر هاله قربانی، نشر افق. «جهان به سفر می‌رود»، زهرا و حانیه شجاعی، نشر اطراف، کتاب ادامه. «دختر دال»، بازآفرینی احمد اکبرپور، تصویرگری نوشین صادقیان، انتشارات فاطمی، کتاب‌های طوطی. «نه مثل هر روز»، فرهاد حسن‌زاده، تصویرگر هاله قربانی، نشر چشمه، کتاب چ. «هفت جاویدان»، مرجان فولادوند، نشر هوپا. عناوین کتاب‌های فارسی این مجموعه است.

نقل قول

فضای مجازی کودکان را با عروسک‌ها بیگانه کرد

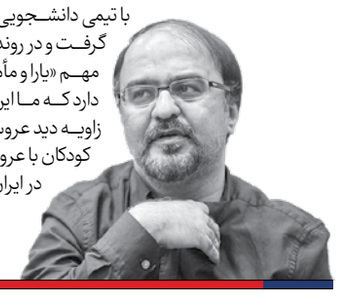

سال گذشته ایده ساخت نمایش «یارا و مأموریت عروسکی» توسط یکی از دانشجویانم مطرح شد که بر اساس آن ایده با تیمی دانشجویی در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان شروع به کار کردیم. متن کار در طول تمرین شکل گرفت و در روند ایده‌پردازی تا نوشتن متن و همچنین دراماتورژی یا بازنویسی ۴ نفر مشارکت داشت. ویژگی مهم «یارا و مأموریت عروسکی» را در سوژه آن می‌دانم. در جهان مراوده‌ای بین بچه‌ها و اسباب‌بازی‌ها وجود دارد که ما این مراوده را در قالب تئاتر نشان می‌دهیم و به نوعی به مدل رفتاری کودکان با اسباب‌بازی‌ها از زاویه دید عروسک‌ها می‌پردازیم. همچنین به معضلات دنیای عروسک‌ها می‌پردازیم که ناشی از نوع رفتار کودکان با عروسک‌ها و اسباب‌بازی‌های خود است. این نگاه از دیدگاه پداگوژیک من نیز نشأت گرفته است. در ایران بیشتر بچه‌ها در بازی‌های مجازی سیر می‌کنند و عروسک‌ها مهجور و مظلوم واقع شده‌اند.

بخشی از صحبت‌های رحمت امینی، کارگردان نمایش «یارا و مأموریت عروسکی»

تامل

تورقی بر کتاب «کافه کنار سد»؛ نمایشنامه‌ای از کانر مک فرسن

تقابل دراماتیک سنت و مدرنیته

حامد قریب
منتقد تئاتر

کتاب «کافه کنار سد» نمایشنامه‌ای به قلم «کانر مک‌فرسن» است که به ترجمه کاوه بلوری و از سوی انتشارات نی منتشر شده است. این نمایشنامه داستان یک زن و چهار مرد را روایت می‌کند که در کافه‌ای روستایی جمع شده و داستان‌های ترسناکی را برای یکدیگر تعریف می‌کنند. ولری، زن جوانی است که به تازگی به منطقه‌ای روستایی نقل مکان کرده است. تاجر محلی آن منطقه در پی نشان دادن مکان‌های مختلف، او را به کافه‌ای می‌آورد که مکان اصلی داستان نمایشنامه است. در آنجا بین تاجر و دو مشتری ثابت کافه، رقابتی در روایت داستان‌های ترسناک و خیره‌کننده ایجاد می‌شود. هر کدام به نحوی در پی این هستند تا داستانی جذاب‌تر بیان کنند، اما ولری نیز با داستان غیرمنتظره خود آنها را غافلگیر می‌کند.

برخی از داستان‌هایی که در این کافه روایت می‌شوند، واقعی هستند اما برخی از آنها ریشه در افسانه‌های محلی و باورهای عمومی ایرلند دارند. به گفته مترجم این اثر، «کافه کنار سد» اگرچه در ظاهر بر داستان‌های ترسناک و قصه‌های عامیانه ایرلند متمرکز می‌شود، اما در واقع به مسائلی بسیار فراتر توجه دارد. در حقیقت مک‌فرسن از طریق داستان‌های ترسناک و قصه‌های عامیانه، مفاهیم عمیق‌تری را به تصویر می‌کشد که از جمله آنها می‌توان به تنهایی و اجتماع، شکست و حسرت، رقابت و مردانگی، دوستی و مهربانی و نیز مفاهیمی مربوط به سنت شفاهی و فولکلور ایرلند اشاره کرد.

البته علاوه بر این موارد، مضمون مهم‌تری نیز در زیر این مفاهیم نهفته بوده که در سرتاسر داستان طنین‌انداز است؛ «کافه کنار سد»، ایرلند سنتی دیروز را در تقابل با ایرلند مدرن امروز قرار می‌دهد. «کانر مک‌فرسن» در مصاحبه‌ای در سال ۱۹۹۹ می‌گوید که یک مرتبه از استاد دانشگاهی شنیده است که محبوبیت کافه کنار سد به خاطر تصویری است که این اثر از تلاقی ایرلند دیروز و امروز به نمایش می‌گذارد. در واقع مردان کافه، بازماندگان ایرلند دیروز هستند و زن جوان هم نماینده ایرلند مدرن امروز است.

در واقع ایرلند امروز با تمام پیشرفت‌هایی که در زمینه اقتصادی و اجتماعی داشته، مکانی سرد و بی‌روح تصویر می‌شود. به همین دلیل ولری در جست‌وجوی آرامش، دوبلین را که زادگاه نویسنده نمایشنامه نیز هست، ترک کرده و به روستایی که نمادی از ایرلند دیروز بوده است، پناه می‌آورد. تقابل مردان کافه و زن دوبلینی و همچنین تقابل زندگی شهری و روستایی تنها نمودهایی از تقابل ایرلند سنتی دیروز با ایرلند مدرن امروز است. در حقیقت این مسأله در تار و پود داستان این نمایشنامه نقش بسته است.

«کافه کنار سد» در عین حال که به بررسی موضوعات عمیق انسانی، روابط بین فردی و چالش‌های زندگی روزمره می‌پردازد، فضایی شاعرانه و فلسفی دارد. علاوه بر این شخصیت‌های نمایشنامه به خوبی توسعه یافته‌اند و هر یک نماد جنبه‌ای از زندگی در جامعه ایرلند هستند. در واقع یکی از مضامین اصلی نمایشنامه، جست‌وجوی هویت است. شخصیت‌ها در تلاشند تا خود را پیدا کنند و با چالش‌های زندگی مدرن مواجه شوند. همچنین موضوع تنهایی و ارتباطات انسانی نیز به خوبی در این اثر بررسی شده است. کافه به عنوان فضایی برای گفت‌وگو و تبادل‌نظر عمل می‌کند، جایی که شخصیت‌ها می‌توانند از تنهایی خود رهایی یابند.

سبک نوشتاری کانر مک‌فرسن در این نمایشنامه، خاص و منحصر به‌فرد است. او با استفاده از دیالوگ‌های طبیعی و زنده، احساسات عمیق شخصیت‌ها را به تصویر می‌کشد. زبان او شاعرانه بوده و در عین حال به واقعیت‌های زندگی نزدیک است. این ترکیب باعث می‌شود تا خواننده بتواند به راحتی با شخصیت‌ها همذات‌پنداری کند. «کافه کنار سد» نه تنها یک نمایشنامه سرگرم‌کننده است، بلکه به مسائل اجتماعی نیز پرداخته و نقدی بر وضعیت کنونی جامعه ایرلند دارد. موضوعاتی مانند مهاجرت، فقر و بی‌توجهی به نیازهای انسانی در این اثر به طور واضح بیان شده است. مک‌فرسن با نگاهی انتقادی به جامعه معاصر ایرلند، مخاطب را به تفکر درباره این مسائل دعوت می‌کند. البته نمی‌توان سرعت کند روایت داستان را نادیده گرفت. برخی از منتقدان در مواجهه با این نمایشنامه، به کندی پیشرفت داستان انتقاد کرده و معتقدند که دیالوگ‌های طولانی، تکرار برخی موضوعات و توصیفات بیش از حد می‌تواند خسته‌کننده باشد و خواننده را از داستان دور کند.

با این همه ترجمه کاوه بلوری به خوبی توانسته روح اثر اصلی را حفظ و آن را برای خوانندگان فارسی‌زبان قابل فهم کند. او با ترجمه این اثر، فرصتی برای خوانندگان ایرانی فراهم کرده تا با یکی از آثار مهم ادبیات معاصر آشنا شوند، زیرا این نمایشنامه، نه تنها برای علاقه‌مندان به تئاتر، بلکه برای هر کسی که به دنبال درک عمیق‌تری از انسانیت و چالش‌های آن بوده، ارزشمند به شمار می‌آید. در نهایت باید گفت که این نمایشنامه با ترکیب داستان‌گویی، مخاطبان را به غوطه‌وری در دنیای پیچیده انسان‌ها دعوت می‌کند. «کافه کنار سد» نه تنها یک اثر هنری، بلکه دعوت به گفت‌وگویی درباره زندگی است.

مک‌فرسن از طریق داستان‌های ترسناک و قصه‌های عامیانه، مفاهیم عمیق‌تری را به تصویر می‌کشد که از جمله آنها می‌توان به تنهایی و اجتماع، شکست و حسرت، رقابت و مردانگی، دوستی و مهربانی اشاره کرد

پیشنهاد

آسمان نبرد از نگاه خلبان جنگنده اف۱۴

خاطرات آخرین اسکادران

کتاب «آخرین اسکادران» روایتگر زندگی خلبان جوانی است که در میانه جنگ تحمیلی عراق علیه کشورمان، به شوق دفاع از وطن، دوره آموزشی‌اش را سریع‌تر به اتمام می‌رساند و به عنوان خلبان کابین عقب اف۱۴ قدم به میدان جنگ می‌گذارد. کتاب «آخرین اسکادران» نوشته‌ای از مهدی بابامحمودی و روایتی از خاطرات علیرضا جراح، خلبان جنگنده اف ۱۴ است؛ کتاب از زمان ورود علیرضا جراح به عرصه خلبانی آغاز می‌شود و ماجرای حضور او در جنگ تحمیلی را به تصویر می‌کشد.

نویسنده در بیان خاطرات این خلبان دوران دفاع مقدس، از درج موارد غیرمرتبط و غیرپروازی، بجز مواردی معدود و ضروری خودداری کرده است. کتاب به سه بخش کلی تقسیم شده، در بخش اول دوره‌های آموزشی خلبانی، در بخش دوم خاطرات طنز با همرزمان و در بخش آخر نیز جنگ میان ایران و عراق در دل آسمان روایت شده است.

در این کتاب قرار است جنگ را از منظر خلبان جوانی که در اواسط جنگ به جمع رزمندگان قدیمی‌تر نیروی هوایی ملحق شده است ببینیم تا از این طریق شاهد حال و هوای حاکم بر میدان نبرد در آن سال‌ها باشیم. مؤلف سعی کرده خاطرات این خلبان را با زبانی همه فهم بنویسد. از دیگر ویژگی‌های آن می‌توان به ارائه بررسی‌ها و تحلیل‌هایی دقیق و در عین حال همه‌فهم از اتفاقات جنگ اشاره کرد، آن هم به شکلی که تصویرسازی خوبی را پیش روی مخاطبان می‌گذارد و به آنان اجازه می‌دهد که خود را در قلب آن ماجراها و وقایع تصور کنند. در صفحات پایانی کتاب، نویسنده دست به درج اطلاعاتی در توضیح برخی کلمات و اصطلاحاتی زده است که به نقل از راوی می‌خوانید. اما همان‌گونه که اشاره شد در این کتاب قرار نیست با چیزی بیشتر از داستان جنگ به روایت یک خلبان و از دریچه جنگنده اف ۱۴ روبه‌رو شوید. در کتاب «آخرین اسکادران»، خواننده فقط خود را در هیجان جنگ حس می‌کند و وارد زندگی شخصی راوی نمی‌شود. از سوی دیگر، روایت‌ها با درج بیشتر از یکصد قطعه عکس در کتاب همراه شده، تصاویری که در همراهی با متن، توضیحات و تصویرسازی دقیق‌تری را پیش روی مخاطب می‌گذارند.

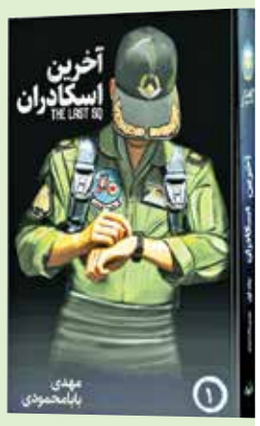

در بخشی از این کتاب آمده:
«یک مثلی هست بین خلبانان که می‌گویند: «همان‌طور که سایه هواپیما، حین پرواز همیشه همراه شماست، سانحه هم مثل سایه همیشه به دنبال شما می‌آید!»
پس می‌بینیم که بروز سانحه‌های ریز و درشت، امری عادی و جاری در پرواز محسوب می‌شود. به عبارت ساده‌تر، در هر پرواز، اتفاقات مختلفی برای هواپیما می‌افتد و در واقع، این واکنش خلبان است که نحوه بروز اتفاقات بعدی را تعیین می‌کند. خب پرواز رزمی و شکاری هم که نیاز به گفتن ندارد، به سبب زیر فشار بودن هواپیما حین نبرد، هر آن احتمال دارد که یک یا چند سامانه، از انجام عملکرد صحیح بازمانده و پرواز و مأموریت را دچار مخاطره نمایند.
کتاب «آخرین اسکادران» دو جلد دیگر هم دارد که در آنها به بخش‌های دیگری از زندگی سرتیپ دوم خلبان علیرضا جراح پرداخته شده است. کتاب «آخرین اسکادران» به همت انتشارات آتشبار و به قلم مهدی بابامحمودی منتشر شده است. از دیگر آثار مهدی بابامحمودی می‌توان به «ضد تانک‌ها»، «گردان ۳۱ شکاری»، «در جست‌وجوی نجات» و «در اعماق دره قاتلین» اشاره کرد.

عکس نوشت

هفدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر خیابانی مریوان، چند روزی است که آغاز شده و تا ۲۵ مهرماه جاری نیز میزبانی علاقه‌مندان را در این شهر به عهده دارد. از جمله برنامه‌های این جشنواره می‌توان به برگزاری انواع نمایش‌های خیابانی با موضوعات متنوع فرهنگی و اجتماعی برای عموم مردم اشاره کرد. از این جشنواره به عنوان یکی از مهم‌ترین رویدادهای تئاتر خیابانی کشور یاد می‌شود.

عکس: ایران تئاتر